

آسیب‌شناسی تفکر در سازمان‌های آموزشی

رضیه امامی*

محمد نجفی**

چکیده

«تفکر» یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت است که هر نظامی به دنبال تحقق آن می‌باشد. این نوشتار در پی بررسی عواملی است که در سازمان آموزشی موانع و یا موجب آسیب به تفکر می‌گردند. بدین منظور، بحث از آسیب‌های تفکر و پیامدهای ناشی از عدم برخورداری از تفکر دینی، از مباحث ضروری این نوشتار است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با تأکید بر رویکرد دینی، بر این باور است که تفکر کلید روشنائی‌ها و مبدأ کسب بصیرت، وسیله کسب معارف و اساس حیات انسانی است. رمز پایداری هر اجتماعی، در گرو حیات فکری آن جامعه است. تا جامعه به حیات فکری خویش دست نیابد، از زندگی راستین برخوردار نخواهد بود. به نظر می‌رسد تفکر در صورتی ثمربخش خواهد بود که انسان، به اصالت آن باور داشته و جامعه نیز از سلامتی برخوردار باشد. در این صورت، انسان می‌تواند از این نیروی خدادادی در طریق سعادت و کمال خود استفاده نماید، و هیچ‌گونه مانعی از برون و یا آفتی از درون، اندیشه او را تهدید ننموده و فکر او را به بند نخواهد کشید.

کلیدواژه‌ها: تفکر، آسیب‌های تفکر، سازمان آموزشی.

مقدمه

حتی خانواده‌هاست. در نتیجه، اغلب اقدامات و نتایج فعالیت‌های آموزشی مدارس، چیزی جز انتقال و انباشت حجم زیادی از اطلاعات و محفوظات در فراگیران نیست. امروزه، مدارس نمی‌توانند تنها به علوم کلاسیک (قدیم) و نوشته‌های گذشتگان اکتفا کنند و انتقال و یادگیری آنها را جزو هدف‌های آموزش و پرورش خود بدانند، بلکه باید کودکان و جوانان جامعه را به معلومات و مهارت‌های زمان خود مجهز کنند.

برخورداری دانش‌آموزان از تفکر و بینش دینی و علمی، سبب می‌شود که آنان در مواجهه با مسائل و رویدادهای گوناگون جامعه و جهان منفعل و صامت نبوده، بلکه از روحیه جست‌وجوگری، قدرت تعقل و درک منطقی مناسب برخوردار شوند و با شناخت و آگاهی بتوانند خود را با مسائل غیرقابل پیش‌بینی محتمل در طول حیاتشان سازگار کنند.

قرن حاضر، دوران دانش و اطلاعات، تحولات شگرف و باورنکردنی و پیشرفت و توسعه در بسیاری از ابعاد زندگی است. بدیهی است جامعه‌ای که خود را با این روند و ویژگی‌ها هماهنگ و منطبق نسازد، چاره‌ای جز دنباله‌روی و وابستگی صرف به دیگران نخواهد داشت. برای اینکه کشور به خوداتکایی و استقلال نسبی در همه ابعاد دست یابد و ضمن استفاده از فرصت‌ها و امکانات در مهار چالش‌ها و موانع رشد و توسعه به بهترین وجه ممکن عمل کند، ضرورت دارد در بررسی و اصلاح ساختارها و روش‌های سنتی موجود و دخیل در رشد و توسعه جامعه، از جمله ساختار و روش‌های سازمان‌های آموزش، تلاش گردد؛ امری که شاید بر

قدرت «تفکر» به عنوان فصل ممیز نوع انسان از حیوان، از سویی انسان را به شناخت دقیق و همه‌جانبه از خالق هستی، هدف و مقصد آن، اشیاء، پدیده‌ها، افکار، گرایش‌ها و نگرش‌های پیرامون خود رهنمون می‌دارد و فرد را قادر می‌سازد تا به وسیله تفکر، پرده از مجهولات خود بردارد، از سوی دیگر، می‌تواند در جهت ناصواب نیز به کار گرفته شده، با موانع و آسیب‌هایی روبه‌رو گردد و به نتایج باطل و نامنتطب بر حقیقت منتهی شود. بر این اساس، مسئله مهم، شناخت حقیقی موانع و آسیب‌هایی است که بخصوص در سازمان‌های آموزشی، سیر تفکر را به انحراف می‌کشاند و آدمی را از نیل به حقیقت بازمی‌دارد؟ این مسئله از زوایای مختلف، توسط پژوهشگران، بررسی گردیده،^(۱) لیکن تخصیص موانع و آسیب‌ها به عواملی مانند شخصیت، خانواده، مدیریت، فرهنگ جمعی، روش تدریس و تجمیع و تنظیم همه آنها در قالب مجموعه‌ای واحد، کاری است که کمتر بدان پرداخته شده است. مطمح نظر نگارنده در این نوشتار، تجمیع همراه با تبیین شفاف‌تری از مهم‌ترین این موانع و آسیب‌ها و ارائه راه‌کارهایی عملی در جهت کاهش آنها به دلیل شتاب یافتن سیر اندیشه و تولید فکر از سویی، و آلوده گردیدن حجم وسیعی از اندیشه‌ها و افکار بشری به انواع خطاها و انحراف‌ها، از سوی دیگر است.

امروزه، در حالی که تعمیق و گسترش علم، تفکر و بینش علمی و خلاق در دانش‌آموزان، بیش از هر دوره دیگر، ضرورتی طبیعی و غیرقابل اجتناب است، لیکن کمتر مورد توجه جدی مریبان، مدیران و

ارتباط با مسائل شخصی و اجتماعی برخوردارند. بنابراین، در محیطی که به سرعت در حال تغییر و تحول است، باید به دانش‌آموز فرصتی برای تغییر و تحول داده شود، و این نیازمند به کارگیری شیوه‌های فعال در یادگیری و آموزش و بخصوص به کارگیری تفکر خلاق است. بر اساس مطالب مزبور، سؤالات ذیل مطرح می‌شود که این مقاله در صدد پاسخ به آنهاست:

- مراد از تفکر علمی چیست؟

- چه موانع و آسیب‌هایی بر سر راه تفکر،

بخصوص در نظام آموزشی وجود دارد؟

- موانع عدم برخورداری از تفکر دینی، کدامند؟

- برای محدود نمودن آسیب‌های موجود در جریان

تفکر خلاق، از چه راه‌کارهایی می‌توان بهره گرفت؟

- برای پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده، نخست

مفهوم تفکر از دیدگاه اندیشمندان مختلف، و در

آیات و روایات، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گام

دوم، آسیب‌ها و موانع موجود در جریان تفکر که

می‌تواند ناشی از شخصیت، خانواده، شیوه آموزش،

مدیریت، سازمان و فرهنگ جمعی باشد، به تفکیک

تبیین می‌گردد و در نهایت، موانع عدم برخورداری از

تفکر دینی با استناد با آیات، روایات و احادیث

تحلیل می‌گردد و سعی می‌شود تا راه‌کارهایی

اساسی و عملی در جهت کاهش آسیب‌های تفکر

بخصوص در نظام آموزشی ارائه گردد.

مفهوم‌شناسی تفکر

از ویژگی‌های بارز انسان و محور اساسی حیات او،

قدرت اندیشه است. انسان در طول زندگی خویش

هرگز از تفکر و اندیشه غافل نبوده و با نیروی تفکر

صحيح، تصمیم گرفته و توانسته است به حل

هیچ‌کس پوشیده نیست، اما هم‌اکنون به هر دلیل، با مسامحه و غفلت روبه‌روست، چنان‌که امروز یکی از موضوعاتی که در فرایند یادگیری و آموزش، بخصوص در سطح مدارس و مراکز آموزشی ماکتر مورد توجه مربیان، مسئولان و حتی خانواده‌هاست، مقوله تفکر و بینش علمی و دینی دانش‌آموزان است.

اگر ملاحظه می‌شود که مدرک‌گرایی، بیشتر از

دهه‌های گذشته توسط دانش‌آموزان و خانواده‌ها

دنبال می‌شود، اگر افراد در برابر مسائل و

رویدادهای جامعه و جهان یک‌سوی‌نگر و کم‌تأمل‌اند،

اگر در برخورد با دیدگاه‌های دیگران، توانایی تحمل،

مدارا و اظهار نظر منطقی، تعقل و تعامل متقابل را

ندارند، حداقل یکی از دلایل عمده آن این است که

به جایگاه علم و اندیشیدن (تفکر) و نقش پراهمیت

آن در ارتقای روابط اجتماعی کشور توجه لازم

مبذول نمی‌شود. از سویی، به نظر می‌رسد این پدیده

منفی، بخصوص به کارکردهای نظام آموزشی، از

جمله به روش تدریس مربیان و فرایند و کیفیت

یادگیری دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی مربوط

باشد که در آن به جای توجه به روش‌شناسی تفکر،

تحلیل، استنباط و استنتاج در مواجهه با مسائل و فهم

دانش، صرفاً به انتقال مفاهیم و اطلاعات یا به تعبیر

دیگر، یادگیری سطحی اکتفا می‌شود. برون‌دادهای

چنین نظامی از ویژگی‌هایی همچون عدم توانایی در

درک مفاهیم و نتایج فعالیت‌ها، نداشتن قدرت آغاز

یک فعالیت و بی‌اعتمادی نسبت به ادامه آن، ناتوانی

در کار با دیگران، قادر نبودن در حل مشکلات

شخصی و اجتماعی، نداشتن قوه قضاوت منطقی،

نداشتن بصیرت کافی نسبت به مسائل و موضوعات

اطراف خود و عدم ارائه راه‌حل‌های منطقی در

مشکلات پردازد و به رشد و تعالی نایل گردد. بنابراین، تمام موفقیت‌ها و پیشرفت‌های انسان در گرو اندیشه بارور، پویا و مؤثر است. این تفکر است که آدمی را از سایر موجودات متمایز می‌کند. انسان فرهنگ و تمدن خویش را مدیون تفکر است. بنابراین، عجیب نیست که از زمان سقراط و ارسطو تا کنون فلاسفه درباره تفکر، ماهیت و مراحل آن به بحث‌های بسیاری پرداخته‌اند. در ادامه، تعاریفی چند از دیدگاه‌های گوناگون ارائه می‌گردد:

دیویی معتقد است: تفکر، عملی است که در آن، واقعیت موجود موجب تأیید یا تولید واقعیت‌های دیگر می‌شود یا روشی است که در آن، باورهای آینده براساس باورهای گذشته پایه‌گذاری می‌گردد.^(۲) از دیدگاه روان‌شناسی نیز تعاریف متعددی از تفکر ارائه شده است. تعریف مورگان و همکاران به قرار زیر است: تفکر بازسازی یا تغییر شناختی اطلاعات به دست آمده از محیط و نمادهای ذخیره‌شده در حافظه در درازمدت می‌باشد.^(۳) بعضی محققان تفکر را فرایندی می‌دانند که تجارب گذشته فرد را سازمان می‌دهد. مثلاً، ویناک^(۴) در کتاب روان‌شناسی تفکر، تفکر را چنین تعریف می‌کند: تفکر سازمان دادن و تجدید سازمان در یادگیری گذشته برای استفاده در موقعیت فعلی است.

آیسون^(۵) تفکر را یک فرایند رمزی درونی می‌داند که منجر به حوزه‌ای در شناخت می‌گردد و نظام شناختی متفکر را تغییر می‌دهد.^(۶) سولسو^(۷) این تعاریف را تکمیل کرده و می‌گوید: تفکر فرایندی است که به وسیله آن یک بازنمایی ذهنی جدید توسط تبادل اطلاعات و کنش و واکنش بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد می‌گردد. تفکر فعالیت هدفدار ذهن است که از مقدمات بدیهی یا اثبات‌شده برای درک و دریافت قضایای مورد نظر بهره می‌گیرد. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان تفکر را چنین توصیف می‌کنند: تفکر نوعی سیر و مرور بر معلومات حاضر در نزد انسان جهت دستیابی به مجهول است.^(۸) شیخ طبرسی، در بیان تمایز تفکر از تذکر می‌نویسد: تفکر شناخت چیزی است هرچند که هیچ‌گونه اطلاعی از آن نداشته باشیم، ولی تذکر موردی است که انسان از پیش با آن موضوع آشنا باشد.^(۹) بنابراین، تفکر به معنای به کارگیری عقل در مسیر شناخت خود و هستی است. انسان با کشف هر مجهول در ذهن و بیرون می‌تواند گام‌های بلندی به سوی تکامل و تعالی فردی و جمعی بردارد. می‌توان نتیجه گرفت که تفکر در مفهوم وسیع کلمه به معنای جست‌وجوی برگرفته از شعور و آگاهی است؛ شعوری که هم معطوف به دستیابی به معرفت موجود و ارزشیابی آن است و هم معطوف به تولید معرفت جدید. تفکر یک فرایند است؛ فرایندی که عناصر و کارکردهای مختلف دارد و از تعامل عناصرهای مختلف و ترکیب کارکردهای متفاوت، اعمالی در ذهن شکل می‌گیرد که تفکر نامیده می‌شود.^(۱۰)

تفکر عبارت است از مربوط کردن چند معلوم به یکدیگر برای به دست آوردن معلوم جدید و تبدیل کردن یک مجهول به معلوم. در حقیقت، تفکر عبارت است از سیر و حرکت ذهن از یک مطلوب مجهول به سوی یک سلسله مقدمات معلوم و سپس حرکت از آن مقدمات معلوم به سوی آن مطلوب برای تبدیل آن به معلوم. یا ترتیب دادن امور معلوم برای امر

مشکلات پردازد و به رشد و تعالی نایل گردد. بنابراین، تمام موفقیت‌ها و پیشرفت‌های انسان در گرو اندیشه بارور، پویا و مؤثر است.

این تفکر است که آدمی را از سایر موجودات متمایز می‌کند. انسان فرهنگ و تمدن خویش را مدیون تفکر است. بنابراین، عجیب نیست که از زمان سقراط و ارسطو تا کنون فلاسفه درباره تفکر، ماهیت و مراحل آن به بحث‌های بسیاری پرداخته‌اند. در ادامه، تعاریفی چند از دیدگاه‌های گوناگون ارائه می‌گردد:

دیویی معتقد است: تفکر، عملی است که در آن، واقعیت موجود موجب تأیید یا تولید واقعیت‌های دیگر می‌شود یا روشی است که در آن، باورهای آینده براساس باورهای گذشته پایه‌گذاری می‌گردد.^(۲)

از دیدگاه روان‌شناسی نیز تعاریف متعددی از تفکر ارائه شده است. تعریف مورگان و همکاران به قرار زیر است: تفکر بازسازی یا تغییر شناختی اطلاعات به دست آمده از محیط و نمادهای ذخیره‌شده در حافظه در درازمدت می‌باشد.^(۳) بعضی محققان تفکر را فرایندی می‌دانند که تجارب گذشته فرد را سازمان می‌دهد. مثلاً، ویناک^(۴) در کتاب روان‌شناسی تفکر، تفکر را چنین تعریف می‌کند: تفکر سازمان دادن و تجدید سازمان در یادگیری گذشته برای استفاده در موقعیت فعلی است.

آیسون^(۵) تفکر را یک فرایند رمزی درونی می‌داند که منجر به حوزه‌ای در شناخت می‌گردد و نظام شناختی متفکر را تغییر می‌دهد.^(۶)

سولسو^(۷) این تعاریف را تکمیل کرده و می‌گوید: تفکر فرایندی است که به وسیله آن یک بازنمایی ذهنی جدید توسط تبادل اطلاعات و کنش و واکنش بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع،

تفکر در احادیث را می‌توان در دو مقوله گنجانند:
 (۱) ستایش از عقل؛ مانند: «خواب عاقل از عبادت جاهل، بالاتر است»، «امساک عاقل از روزه گرفتن جاهل بالاتر است»،^(۱۲) «همه خیر به وسیله عقل درک می‌شود»، «ثواب و عقاب هرکس به اندازه عقل اوست»،^(۱۳) «ارزشمندترین بی‌نیازی، عقل است»،^(۱۴) «سرمایه‌ای سودمندتر از عقل نیست»،^(۱۵) (۲) تعیین ارزش برای تفکر؛ مانند: «یک ساعت تفکر از یک سال عبادت برتر است»،^(۱۶) «هیچ عبادتی مثل تفکر نیست»، «یک ساعت تفکر با ارزش‌تر از ۷۰ سال عبادت است»،^(۱۷) «اندیشه و تفکر عبادت خداست»،^(۱۸) «فکر روشن‌کننده خردهاست»، «هیچ عبادتی همانند تفکر و مطالعه در مصنوعات الهی نیست»،^(۱۹) «بالاتر از هر عبادتی به کار انداختن نیروی تفکر و تعقل است» و «بهترین عادت همواره اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست»،^(۲۰)

آسیب‌های تفکر

آسیب در لغت فارسی به معانی مختلفی مانند زخم، کوب، ضربه، خستگی، زیان، آفت، بلا، رنج و مشقت و امثال آن به کار رفته است.^(۲۱) منظور از آسیب‌شناسی تفکر این است که یک تفکر چگونه بیمار می‌شود و علل و عوامل آن چیست و چگونه روبه زوال و نابودی می‌رود. در اینجا منظور ما از آسیب‌های تفکر دو مقوله جدا از یکدیگر است: یکی، عواملی که مانع از تفکر می‌شود و دوم، عواملی که باعث آسیب زدن به تفکر می‌شود. از آن‌رو که در این مقاله به آسیب‌های تفکر در محیط آموزشی و تربیتی پرداخته می‌شود و محیط آموزشی یک مجموعه کلی متأثر از نظام سازمان، مدیریت،

مجهول و نیز لحاظ کردن امر معقول است برای رسیدن به مجهول.

در اینجا منظور از تفکر، هدف تربیتی است؛ یعنی پرورش نیروی تفکر.^(۱۱)

تفکر در آموزه‌های دینی

تفکر در زبان عربی از ماده «فکر» گرفته شده است به معنای اندیشه‌ورزی؛ که همان حرکت ذهنی و مرور معلومات و دانش‌های حاضر در نزد خویش برای دستیابی به یک مجهول و روشنایی بخشیدن به آن می‌باشد. نظر به گستردگی مباحث اندیشه‌ورزی در آموزه‌های دینی، در این قسمت مختصری از آیات و احادیث ارائه خواهد شد.

در آیات قرآنی، تفکر با واژه‌های گوناگونی مانند: تدبّر، تعقل، تذکر، تفقه و... مورد تعظیم و تکریم بسیار قرار گرفته است؛ از جمله:

(الف) در ۱۷ مورد ماده تفکر به کار رفته و از کسانی که درباره طبیعت و موجودیت خودشان می‌اندیشند، تعریف و تمجید به عمل آمده است.

(ب) در ۱۷ مورد ماده فقه (فهم عالی) آمده است.

(ج) در سه مورد ماده تدبّر به کار رفته است.

(د) در ۴۸ مورد، بشر را به تعقل تشویق و از به کار نگرفتن قوه عاقله نکوهش کرده است.

نمونه آیات: در آیه ۲۲ «انفال» و ۲۴ «فرقان»، تفکر و تعقل به عنوان معیار ارزش و کرامت انسانی مطرح شده است. آیات ۱۶۴، ۲۱۹، ۲۴۴ و ۲۶۶ سوره «بقره» برای تبیین ارزش و جایگاه اندیشه‌ورزی وارد شده است. آیه ۳۲ «انعام»، ۱۶۹ «اعراف» و ۱۰۹ «یوسف» توجه به آخرت و نسبت به دنیا را مقتضای خرد و اندیشه واقعی و درست می‌شمارد.

احتیاج به تدابیر جدیدی داشت، جریان خلاقیت به کار می‌افتد. انگیزه به عنوان عامل اصلی می‌تواند دربرگیرنده خصلت‌های ناپسند بعدی باشد.

۱-۲. پایین بودن اعتماد به نفس: در بسیاری از مواقع، افراد از توانایی‌ها و استعدادها شگرفی برخوردارند، اما عدم اعتماد آنها به خود، مانع بروز قوای خلاقه آنها می‌گردد. آنان احتمالاً افکار و اندیشه‌های زیادی دارند، اما با تردید به آنها می‌نگرند و احساس می‌کنند که نظراتشان ارزش زیادی ندارد، چنان‌که حتی جرئت ندارند آنها را به زبان بیاورند. (۲۳) عدم اعتماد به نفس به مرور زمان با توجه به تجارب گذشته فرد و محیط اجتماعی در فرد به وجود می‌آید. افراد جامعه‌ای که به قول مزلو، به علت نیازهای دیگر فرصت خودیابی پیدا نکرده‌اند و به آنها چنین فرصتی داده نشده تا به رشد و بلوغ برسند، کمتر اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و همیشه متکی و فرمان‌بردار دیگران بار می‌آیند.

۱-۳. عدم بهره‌گیری از توانایی‌های هوشی: هرچند که بهره هوشی بالا به خودی خود شرط کافی برای خلاقیت بالا نیست، اما به نظر میرسد تا حدی شرط لازم باشد. افراد محدودی دارای خلاقیت زیاد و در عین حال، هوش پایین هستند. میلیگرام (۲۴) (۱۹۸۹) در الگوی خویش ۴ سطح توانایی ذهنی را طرح می‌کند: الف) هوش عمومی: توانایی تفکر انتزاعی و حل مسئله منطقی و منظم که همان نمره هوشی است که توسط آزمون اندازه‌گیری می‌شود.

ب) هوش خاص: توانایی ذهنی خاص در یک زمینه مشخص مانند ریاضیات، زبان‌های خارجی، موزیک یا علوم.

ج) تفکر خلاق عمومی: فرایندی که راه‌حل‌های

روش تدریس، شخصیت و خانواده می‌باشد، می‌توان آسیب‌ها را در ۶ دسته کلی به قرار زیر گنجانند:

۱. آسیب‌های ناشی از شخصیت

«شخصیت» بنیادی‌ترین مفهوم در روان‌شناسی و مفهومی کلی است که مباحثی همچون یادگیری، عواطف، تفکر، احساسات، رشد و هوش را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، تمامی موارد فوق اجزای تشکیل‌دهنده شخصیت هستند. انسانی می‌تواند درست به تفکر بنشیند که در آزادی کامل از همه موانع و دام‌ها به سر برده و بی‌طرفی خود را نسبت به همه کشش‌ها و جاذبه‌های نفسانی حفظ کند، تا هیچ‌گاه سایه حرص و طمع و کبر و غرور و عشق و شهوت او را نسبت به آنچه می‌اندیشد دگرگون نکرده و او را نلغزاند، ریشه بسیاری از خطاها و فرو غلتیدن در دام‌های باطل را باید در این کمین‌گاه جست‌وجو کرد. آسیب‌های ناشی از شخصیت را می‌توان در قالب زیر گنجانند:

۱-۱. نداشتن انگیزه: مورگان و همکاران (۱۹۸۴) انگیزه را حالت‌های درونی ارگانیزم می‌دانند که موجب هدایت رفتار او به سوی نوعی هدف می‌شود. (۲۲) انگیزه را می‌توان نیروی محرک فعالیت‌های انسان و به کاراندازننده جریان خلاقیت دانست. گیج و برلایندر انگیزه را به موتور و فرمان اتومبیل تشبیه کرده‌اند و در این مقایسه، «نیرو» برای مفاهیم عمده انگیزش است. گیلفورد در این رابطه می‌گوید: تا زمانی که فهمیدن و عمل کردن آسان باشد؛ یعنی در واقع، عملی از روی عادت انجام گیرد خلاقیتی در کار نیست، ولی به محض اینکه مسئله‌ای پیش آمد یا - برای مثال - مطلبی مشکل شد یا اجرای عملی

غیرمعمول با کیفیت بالا تولید می‌کند.

د) استعداد خلاق خاص: که توانایی خلاق در زمینه‌ای مانند ریاضیات، علوم، هنر، موزیک، تجارت، سیاست است و تمام فعالیت‌های انسان و تحقق این استعداد بالقوه نیازمند زمان برای رشد می‌باشد.

۱-۴. اطلاعات کم: اطلاعات یکی از عوامل اصلی خلاقیت و ماده خام آن است. اگر یک قطب خلاقیت را جریان و فعالیت ذهن بدانیم، قطب دیگر معلومات و اطلاعات از اشیا و امور خواهد بود. (۲۵) نیاز به دانش در تمام مراحل خلاقیت محسوس است، اما دانش زیاد نیز می‌تواند یک مانع باشد؛ زیرا اشراف به همه جنبه‌های مسئله ممکن است مانع شود تا ورای نظریات و انگاره‌های موجود بررسی تازه‌ای صورت بگیرد.

۱-۵. انعطاف‌ناپذیری: افراد با استفاده از ویژگی انعطاف‌پذیری، توانایی تعقیب و دست‌یابی به مشکل را از راه‌حل‌های مختلف دارا هستند. (۲۶) انسانی که در قالب معینی فکر و عمل می‌کند انعطاف‌پذیر می‌گردد. چنانچه قادر به اندیشیدن به جهات مختلف مسئله نباشد و تنها یک یا دو جهت را ببیند، نمی‌تواند بدون توجه به منبع عقاید و افکار به تحلیل و بررسی آنها بپردازد.

۱-۶. روی‌گردانی از ابهامات: بیشتر افراد از موقعیت‌های مبهم و پیچیده و غیرمطمئن استقبال نمی‌کنند. عدم استقبال از این موقعیت‌ها به خاطر سوءتفاهمات و تناقضهای جدی است که در فرد ایجاد می‌شود و فرد احساس می‌کند که قادر به رویارویی با آنها نیست. اگرچه ممکن است همه ما از ابهام ناراحت شویم، اما گاهی اوقات لازم است که ایده یا موقعیت‌های مبهم را بررسی کنیم؛ چون این موقعیت‌ها و ایده‌ها ممکن است منبع اندیشه خلاق باشند. (۲۷)

۲. آسیب‌های ناشی از خانواده

خانواده اولین رکن در شکل‌گیری شخصیت کودک محسوب می‌شود. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی است که زمینه را برای بروز هر وضعیتی فراهم می‌کند و همواره مرکز توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بوده است. نقش خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی و عامل مؤثر بر رشد شناختی، غیرقابل انکار است. هنگامی که محیط خانواده به صورت یک محیط عاطفی و صمیمانه ایفای نقش می‌کند، رشد اجتماعی کودک افزایش یافته و می‌توان پیش‌بینی کرد که رشد عاطفی نیز بهسازی می‌گردد. تأثیر خانواده تنها بر رشد عاطفی و اجتماعی محدود نمی‌شود و رشد شناختی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. (۲۸)

امروزه تقریباً معلمان بر این مسئله اتفاق نظر دارند که در آموزش و پرورش پیچیده امروزی، بسیار مشکل است که فرصتی به دانش‌آموزان داده شود تا بتوانند افکار و عقایدشان را کشف کنند. مک‌کینون معتقد است: رعایت مسائلی از جمله احترام به کودکان، آزادی عمل برای کشف جهان اطراف و تصمیم‌گیری، استقلال عمل، عدم وابستگی زیاد بین کودک و والدین و عدم نگرانی والدین به خاطر کودک، از طرف والدین باعث می‌شود تا کودک در آینده فردی خلاق شود. آسیب‌های ناشی از خانواده عبارتند از:

۲-۱. وجود قوانین خشک و دست و پاگیر در منزل: بسیاری از والدین برای کودکان خود قوانین و مقررات خشک، دست و پاگیر و محدودکننده‌ای قرار می‌دهند. پدید آوردن چنین شرایطی در منزل و اصرار و پافشاری بر رعایت آنها از جانب کودکان،

حافظه قوی برای تکامل و رشد فکری و باروری استعداد‌های کودک کافی نیست، با اصل قرار دادن هوش و حافظه کودک، از پرورش سایر توانمندی‌های ذهنی و روانی فرزند خود غافل می‌مانند. (۳۰)

۲-۵. شخصیت رفتاری والدین: معمولاً رفتار دوگانه و متضاد والدین با فرزندان خود، عدم نظارت و مراقبت دقیق بر روند فعالیت‌های آنان، محبت‌های بی حساب و حتی رفتارهای تحقیرآمیز، اجبارهای توأم با تحکم و خشونت و سخت‌گیری‌های بی جا و بی عدالتی در رفتارها می‌توانند جزء عواملی محسوب گردند که هم مانع اعتماد به نفس در فرد و هم مانعی اساسی در ایجاد تفکر و ایده‌پردازی می‌گردد؛ بدین دلیل که معمولاً وقتی این افراد در خانواده سرکوب می‌شوند و اجازه صحبت و ارائه نظر به آنها داده نشود، شخصیت این افراد سرکوب شده و در نتیجه، حاضر به اظهار نظر در مجامع عمومی و ایده‌پردازی نیستند.

۳. آسیب‌های ناشی از شیوه‌های آموزش

بی‌تردید، نیروی انسانی و به ویژه معلم، یکی از عوامل تأثیرگذار بر محیط‌های آموزشی است و روش تدریس وی تأثیر فراوانی بر روند تفکر و خلاقیت دارد. اگر معلم خود را راهنما و ایجادکننده شرایط مطلوب تفکر بداند و به جای صرف انتقال اطلاعات و تفکرات خود، روش تفکر و خلاقیت را به شاگرد بیاموزد و برای این عمل ارزش قابل باشد، و در راه ایده‌پردازی دانش‌آموز، مانعی ایجاد نکند، دانش‌آموزان در برخورد با مسائل فعال‌تر بوده، از منابع مختلف استفاده می‌کنند و به تفکر و حل مسئله قادر خواهند شد. آسیب‌های ناشی از شیوه‌های آموزش به اختصار عبارتند از:

سبب می‌شود که کودکان تدریجاً به قالبی و تکراری رفتار کردن عادت کنند. والدین کودکان دارای تفکر خلاق تا حد زیادی به کودکان خود استقلال می‌دهند، ولی والدین کودکان فاقد تفکر خلاق هرگز به کودکان خود اجازه نمی‌دهند حتی برای تفریحشان تصمیم بگیرند و فرزندانشان را با قدرت و نفوذ لازم حفظ می‌کنند.

۲-۲. انتقاد مکرر از رفتارهای کودک: ارزیابی پی در پی رفتارهای کودک و زیر ذره‌بین قرار دادن و انتقاد کردن از کارهای او در خانواده، آزادی، امنیت و اعتماد به نفس کودک را مختل می‌سازد و ترس از اشتباه را در وی تقویت می‌کند. اگر این ترس در او مرضی شود، جرئت ابراز هرگونه اندیشه جدید و یا انجام کارهایی را از دست می‌دهد.

۲-۳. بیهوده شمردن خلاقیت کودک: چنانچه خلاقیت و رؤیاهای کودک با بی‌توجهی، تمسخر و بیهوده انگاشتن از جانب والدین روبه‌رو شود در واقع، سرچشمه خلاقیت او از بین می‌رود. ارزش قایل نشدن برای عقاید کودک، انتقاد و سرزنش کردن نابجا از کارهای آنان، بی‌توجهی به بینش‌های کودکان و به عقاید اصیل غیرعادی آنان، عقاید تربیتی غلط، قضاوت نادرست در درون خانواده موانع رشد تفکر محسوب می‌شود. (۲۹)

۲-۴. تأکید بیش از حد والدین بر هوش و حافظه کودک: بسیاری از والدین، ناآگاهانه کودک خود را فقط با هدف تقویت مهارت‌های حافظه‌ای و انباشتن ذهن وی از اطلاعات عمومی، تربیت و هدایت می‌کند و برای حافظه و هوش کودک اهمیتی بیش از حد قایل می‌شوند. این دسته از والدین بدون در نظر گرفتن این اصل تربیتی مهم که تنها اطلاعات عمومی و داشتن

نتیجه، احتمال دارد به تدریج بیاموزد که ایده‌های خود را از ترس اینکه ممکن است اشتباه باشد و مورد تمسخر دیگران قرار گیرد، اساساً به زبان نیاورده و آن را در درون خود سرکوب کنند.^(۳۱) سیف معتقد است: سرزنش و مایوس کردن دانش‌آموزان به خاطر ارائه رفتار و افکار غیرقابلی ممکن است ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی اکتشاف را در کودکان از همان روزهای نخستین مدرسه خشک کند. مجال دادن به کودک برای ارائه اندیشه‌های خود، یکی از مهم‌ترین اصول ایجاد تفکر آفریننده و توانایی سازنده است.

۳-۴. پاداش نامطلوب: اعتقاد به نیروی مثبت پاداش در قلب جامعه ما قرار گرفته است. اکثر مردم معتقدند که پاداش در مقابل یک رفتار موجب بهبود آن رفتار می‌شود. اما چنین نیست. هزینه‌های پنهان زیادی در پاداش وجود دارد: نابودی انگیزه‌های درونی و از بین بردن خلاقیت که ناشی از اولی است. پژوهشگران دریافته‌اند که برای کارهای خیلی ساده، پاداش کمک می‌کند تا مردم سریع‌تر و بهتر کار را انجام دهند، اما برای کارهایی که نیازمند بصیرت و حل مسئله پیچیده است، پاداش مانع کار می‌شود.

۳-۵. سرکوب کنجکاوی: کنجکاوی خمیرمایه خلاقیت و امری فطری است، اما تحول کنجکاوی در کودکان کاملاً اکتسابی و محیطی است. تجربیات عملی نشان داده که بسیاری از معلمان در سطوح مختلف تدریس نه تنها برخورد مناسبی با کنجکاوی‌های یادگیرندگان ندارند، بلکه به علل مختلف، از جمله کثرت شاگردان در کلاس، کمبود زمان تدریس، نگرانی از برهم خوردن نظم کلاس و اعتقاد به استفاده از روش تدریس معلم‌مدار، کنجکاوی یادگیرندگان را سرکوب و تظاهرات آنها را در آموزش خاموش می‌کنند.

۳-۱. روش تدریس سنتی و مبتنی بر معلم‌محوری: به کارگیری افراطی روش‌های سنتی که در آن غالباً معلم، نقش محوری را در کلاس درس ایفا می‌کند و بیشتر مبتنی بر سخنرانی و استفاده از مهارت‌های کلامی است، سبب می‌شود دانش‌آموز در فرایند تدریس، تفکر، یادگیری و ایفای یک نقش فعال فرصت مشارکت کمتری داشته باشد و کم‌کم تحرک و پویایی خود را از دست می‌دهد.

۳-۲. محتوای نامناسب کتب درسی: محتوای کتب درسی باید به گونه‌ای انتخاب شود که با نیازهای رشدی دانش‌آموزان و علایق آنها در ارتباط باشند و آنان را به تفکر، تعمق و جست‌وجو و تحقیق تشویق کنند. آیزنر در این مورد معتقد است که محتوای درس باید فرصت‌هایی را در اختیار یادگیرندگان قرار دهد که دربارهٔ زمینه مورد بحث به گفت‌وگو و اظهار نظر بپردازند.

اگر کتب درسی در یک نظام آموزشی به عنوان مهم‌ترین و تنها منبع تدریس و آموزش مورد استفاده قرار گیرد و در میان اهداف و محتوای آن چیزی به عنوان خلاقیت نباشد، مسلماً دانش‌آموزان آزادی عمل و توانایی لازم را نخواهند داشت. در این حالت، دانش‌آموز نمی‌تواند پا را از چارچوب کتب درسی فراتر بگذارد و همواره می‌آموزد که صرفاً در محدودهٔ کتب درسی خود بیندیشد و نه بیشتر.

۳-۳. برخورد نامعقول در مواجهه با ایده‌ها و نظرات نادرست: در کلاس درس بسیار اتفاق می‌افتد که دانش‌آموزی به دلیل مطرح کردن یک نظر اشتباه یا ایدهٔ نادرست یا عجیب و غریب از طرف معلم یا دانش‌آموزان هم‌کلاسی خود مورد تمسخر و استهزا قرار گیرد. برای دانش‌آموزی که گرایش‌های خلاقانه دارد، این نوع برخورد با دیگران حکم تویخ و تنبیه دارد. در

کلان‌فرهنگ‌ها یا خرده‌فرهنگ‌ها در برخی از جوامع سر‌ناسازگاری دارد. معمولاً مدیران دلیل مخالفت خود با ایده‌پردازی و تفکرات خلاق در سازمان را، هزینه‌های ناشی از این خلاقیت‌ها و برهم خوردن نظم و مقررات سازمان می‌دانند. آنها نمی‌پذیرند که یک تفکر جدید بخواهد مقررات حاکم بر سازمان را تغییر داده و حتی در برخی مواقع موجب شکست سازمان گردد.

۴-۲. ضعیف بودن آموزش‌های پایه‌ای و عدم وجود آموزش‌های مستمر در زمینه مسائل کاری: اعزام کارکنان و یا متخصصان به سازمان‌های دیگر، چه در داخل و چه در خارج از کشور متبوع، برای کارآموزی و یا تکمیل دوره‌های تخصصی و انتقال تجربیات آنها، از دیگر منابع خارجی تأمین امکانات و آگاهی مدیریت سازمان‌ها بخصوص در زمینه روش‌ها و طرح‌ها در ابعاد مختلف می‌باشد. معمولاً برخی از سازمان‌ها به دلیل مشکلات مالی یا روشن نبودن اهداف و نیازمندی‌های تخصصی در فرایند رشد سازمانی خود در انتقال اطلاعات به این شکل به سازمان‌ها ناموفق هستند. به دنبال کاهش آموزش‌های مستمر در زمینه کاری، فرد چون هیچ اطلاعاتی در زمینه سازمان و قوانین حاکم بر آن ندارد، قدرت تفکر از وی سلب خواهد شد.

۴-۳. ضرر و زیان محسوب کردن هزینه‌های ناشی از خلاقیت: به دلیل عدم توانایی در پیش‌بینی نتایج مثبت و منفی یک ایده خلاق، مبهم بودن هزینه‌ها و تبعات نوآوری، غیرقابل سنجش بودن پیامدهای حاصل از خلاقیت و عدم وجود معیاری برای رد یا قبول یک ایده، مدیران معمولاً اطمینان کاملی از پذیرش یک ایده خلاق در سازمان خود ندارند و در برابر آن

۴. آسیب‌های ناشی از سبک‌های مدیریت و رهبری نظام آموزشی در جوامع معاصر گسترش زیادی یافته و پیامد این رشد روزافزون تبدیل نظام آموزشی به سازمان عظیمی است که با تعداد قابل ملاحظه‌ای از جوانان سروکار دارد؛ افزایشی را به خدمت می‌گیرد و وظایف متنوعی را به انجام می‌رساند و نتایج گسترده‌ای را به بار می‌آورد. ثمربخشی فعالیت چنین سازمانی مستلزم وجود مدیران لایق و شایسته است.

اهمیت علم مدیریت به حدی است که برخی صاحب‌نظران، قرن بیستم را عصر مدیریت می‌گویند و علم مدیریت از مهم‌ترین رشته‌های علوم انسانی است؛ چون با کمک مدیران آگاه به اصول مدیریتی و توانمند می‌توان چهره‌های سازمان را دگرگون کرد و وجود شخصیت‌های سالم در بین آنها می‌تواند بسیاری از آسیب‌های سازمان را از بین برده و از منابع طبیعی، سرمایه، فناوری و نیروی انسانی حداکثر استفاده را ببرد. مدیریت در سازمان‌های آموزشی از اهمیت زیادی برخوردار است و ضایعات ناشی از عملکرد ضعیف مدیریت، منشأ بحران‌های زیادی در سازمان‌ها و مراکز آن می‌شود. محور تمام فعالیت‌های مدیران مراکز آموزشی تسهیل و پیشبرد امر آموزش و یادگیری و تربیت انسان‌های متعهد و متخصص است. پس مدیران می‌توانند با حفظ آرامش خود با تعارضات و استرس‌ها برخورد نمایند و آن را کاهش دهند.

آسیب‌های ناشی از سبک‌های مدیریت، عبارتند از: ۴-۱. سبک رهبری ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر: مدیریت سنتی از انتقاد و تعارض دوری می‌جویند و همواره در صدد سرکوب آن هستند و علت آن در این واقعیت نهفته است که تحمل انتقاد و تغییر با بیشتر

پرورش خلاقیت و نوآوری و همچنین استفاده صحیح و جهت‌دار از استعدادها و توانایی‌های افراد را به عنوان امری مهم به عهده دارند که این خود زمینه‌ساز توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه است و از سوی دیگر، برای پویایی خود نیازمند پرورش و بهره‌مندی از نوآوری است. آسیب‌های ناشی از سازمان عبارتند از:

۵-۱. عدم توانایی در متمرکز کردن ذهن: عدم تمرکز ذهنی ناشی از عوامل درون‌زا همچون اضطراب و افسردگی، و عوامل برون‌زا همچون عدم پذیرش، ترس از دست دادن موقعیت شغلی، و کمبود وقت از جمله عوامل بازدارنده فردی در تضعیف خلاقیت می‌باشد و چنین عاملی می‌تواند مانع تفکر صحیح در سازمان شود. فراهم کردن محیطی که در آن آرامش حاکم باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. وقتی که فرد توانایی تسلط و حفظ آرامش خود در محیط کار را نداشته باشد در نتیجه، توان تفکر از او سلب خواهد شد و فرد در سازمان احساس مفید بودن خود را از دست می‌دهد.

۵-۲. ترس از انتقاد و شکست: این ترس مانع به وجود آمدن انگیزه برای به کارگیری قوه خلاقیت می‌شود. در کنار فرهنگ سازمانی که مبتنی بر منفی‌بافی و تنگ‌نظری می‌باشد، می‌تواند عاملی بسیار بازدارنده در متبلور کردن اندیشه‌ها و تفکرات خلاق باشد.

۵-۳. عدم پذیرش فرد خلاق توسط همکاران و مدیران: معمولاً در سازمان، فرد خلاق مورد پذیرش واقع نمی‌شود و به عنوان فردی در نظر گرفته می‌شود که نابهنجار است و سعی دارد نظم سازمان را زیر سؤال ببرد. در ادامه، می‌توان گفت: عدم پذیرش باعث کاهش انگیزه تفکر خلاق در آنها می‌شود. (۳۳)

مقاومت می‌کنند. علت این مقاومت این است که مدیران نسبت به آن تفکر یا ایده توجیه نیستند و از مزایای مترتب بر آن بی‌خبرند و تصور نادرستی از نتایج اجرای آن در سازمان دارند.

۴-۴. ارتباطات محدود در سازمان و حفظ وضع موجود: از عوامل اثرگذار در خلاقیت در یک سازمان، محیطی است که سازمان در آن فعالیت می‌کند. این محیط‌ها با مؤلفه‌های فرهنگی، اقلیمی، انسانی و سازمانی متفاوتی تعریف می‌گردند. پیشرفت یک سازمان بستگی به تعهد در ایجاد ارتباط مناسب با محیط دارد. مدیران به دلایل مختلفی موفق به ایجاد چنین تعامل مثبتی با محیط خارج از سازمان خود نمی‌شوند. مدیران سازمان در این شرایط بیشتر دقت، و بودجه و انرژی خود را صرف تأمین امنیت و حفظ سازمان موجود خود می‌کنند تا پیشرفت و گسترش آن. به هر حال، سازمان‌هایی موفق‌اند که بتوانند رابطه و تعامل مناسبی با محیط خارجی خود، چه در بعد جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و چه در ابعاد فرهنگی و انسانی، برقرار سازند. (۳۲)

۵. آسیب‌های ناشی از سازمان

تحولات پرشتاب جهانی در علم، فناوری، صنعت، مدیریت و به طور کلی ارزش‌ها و معیارها، بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌های موفق جهان را بر آن داشته است تا اهداف، گرایش و علایق خود را در جهت به کارگیری خلاقیت و نوآوری هدایت کنند.

امروزه شعار «نابودی در انتظار شماست، مگر اینکه خلاق و نوآور باشید»، در پیش روی همه مدیران سازمان‌ها قرار دارد. سازمان‌های آموزشی نیز از یک سو، وظیفه فراهم آوردن زمینه رشد و

۶-۱. رهبران گمراه: در مسیر تاریخ، همیشه نفوذ رهبران فاسد و گمراه، عاملی مهم در کج‌اندیشی و ضربه‌پذیری اراده‌ها و بینش‌ها به شمار آمده‌اند، که مردمان را در حیطة ترس و وحشت قرار داده و یا به مسمومیت افکار آنان پرداخته‌اند. آنچنان در این مسیر به پیش رفته‌اند که قدرت تفکر صحیح و زمینه آرامش فکری و فضای سالم آن را از مردم سلب کرده و و قدرت تحلیل و تجزیه را از اندیشه و افکار گرفته‌اند. عامل خارجی هرچند مؤثر و قوی باشد، نمی‌تواند به سلب اختیار و اراده و تفکر انسان منتهی گردد، بلکه تسلیم‌پذیری و ترس‌ها و طعم‌ها زمینه آن را فراهم می‌سازند. بر این اساس، مدیر یک سازمان آموزشی نیز اگر ترس و تهدید را حاکم بر سازمان کند و اجازه تفکر صحیح را از افراد سازمان سلب نماید، مانعی اجتماعی در تفکر خلاق محسوب می‌گردد.

۶-۲. نقش‌های مصنوعی: نقش‌های مصنوعی از عواملی است که هم در تضعیف قوه عقلائی و هم در هدایت و ضلالت افکار مؤثر است. تبلیغات در شکل‌های گوناگون آن است. هیجان‌ات تبلیغاتی و تأثیرات روانی آن در سازمان‌های آموزشی می‌تواند اختیار از اندیشه سلب و ناخودآگاه فرد را به این سو و آن سو بکشاند. چه بسیار انسان‌هایی که از این راه به استعمار دیگران پرداخته و به قصد از بین بردن حس تفکر و شعور انسانی با برنامه‌های کاذب و هیجان‌انگیز مجال تفکر را از آنان گرفته و به جای فرصت دادن برای تحلیل و تفکر و انتخاب، آنان را تبدیل به موجوداتی می‌کنند که به تعبیر قرآن، کور و کر شده و گویا اصلاً قدرت تعقل ندارند. انسان‌های مسخ‌شده همچون ابزاری بی‌جان در اختیار آنها قرار می‌گیرند. (۳۴)

۵-۴. عدم وجود آزادی روانی و ذهنی: عدم وجود آزادی روانی و ذهنی باعث می‌گردد که فرد آزادی کامل برای تفکر و به آزمایش گذاشتن خلاقیت خود نداشته باشد و تدریجاً قدرت اندیشیدن خلاق در او تضعیف و حتی سرکوب شود.

۵-۵. فشار برای انجام کار: فشاری که فرد برای پیگیری کار بر اساس روش‌های معمول و مقررات غیرقابل انعطاف وارد می‌آید، شاید یکی از عوامل اصلی است که راه را برای تفکر خلاق مسدود خواهد کرد.

۵-۶. به تمسخر گرفتن ایده‌های غیرمعمول: وقتی ایده‌ای خلاف اصول و قوانین حاکم بر سازمان از طرف فردی ارائه گردد، موجب تمسخر فرد توسط دیگران می‌شود. به تمسخر گرفتن، افراد را تبدیل به انسان‌های تدافعی و وسواسی می‌کند. در نتیجه، فرد به ارائه ایده‌های خلاف مقررات سازمان نمی‌پردازد و زمینه برای تفکر در او خاموش می‌شود.

۶. آسیب‌های ناشی از فرهنگ جمعی (محیط و

زمینه‌های اجتماعی)

محیط اجتماعی و زمینه‌های موجود در آن، یکی از عوامل بسیار مؤثر بر تفکر است. عواملی نظیر وجود مدیران و رهبران حاکم بر جامعه، نهادهای اجتماعی و رسالت‌های آنان و در نهایت، رسانه‌های جمعی و اهداف آنها، می‌توانند در کمیت و کیفیت جریان تفکر تأثیر گذاشته و مانع از آن شود. اگر در جامعه، همه امکانات مهیا باشد و اجازه تفکر و خلاقیت به افراد آن داده شود، انسان‌ها به تلاش برای تفکر خلاق وادار می‌گردند که البته این امر مستلزم تناسب محیط با نیازها و گرایش‌های افراد و اهمیت قایل شدن برای اراده و بینش انسان است.

آسیب‌ها و موانع برخورداری از تفکر صحیح

در این بخش، به آن دسته از موانعی اشاره می‌شود که در مسیر تفکر صحیح، ممکن است باعث ایجاد محدودیت گردد.

۱. تکبر و غرور

از موانع عدم برخورداری از تفکر دینی، تکبر است و این مانع، گاه به حدی در روزه‌های اندیشه انسان رسوخ می‌کند که مانع دریافت هرگونه حق و حقیقت گردیده و در حد نازل‌تر، اندیشه را آلوده و مغشوش می‌سازد. انسانی که اندیشه خود را برترین و آن را از هرگونه عیب و نقص مبرا می‌داند، این نگرش، در اندیشه‌اش تأثیر گذاشته و او را در داوری و تفکر به اشتباه می‌اندازد؛ زیرا انسان خودبین، خود را از مشورت با دیگران و بهره‌گیری از اندیشه‌های آنان بی‌نیاز دانسته و نسبت به آنچه خود می‌فهمد تعصب و جمود ورزیده و اشتباه‌ها و خطاهای خود را نادیده می‌گیرد. این موجب می‌شود که گفتار دیگران را باطل و اندیشه خود را حق به حساب آورد. به همین دلیل حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «بدترین آفت‌های عقل تکبر است»، «به هر اندازه کبر و غرور به اندرون انسانی راه یابد، به همان اندازه از عقل او بکاهد.» (۳۵)

منشأ بسیاری از خطاهای در اندیشه و باطل‌گرایی را باید در غرور و نخوت صاحب اندیشه جست‌وجو کرد؛ زیرا چنین انسانی حتی پس از دریافت حق بر اثر صعوبت قبول آن، در مقابل آن موضع‌گیری کرده و برای مقابله، به فریب خود می‌پردازد. در سایه غرور و تکبر، واقعیت‌ها کم‌رنگ شده و اندیشه‌ها راه انحراف را در پیش گرفته و از مسیر منطقی خود منحرف می‌شوند. بدین‌روی، اسلام با نكوهش از

تکبر و غرور و تشویق به تواضع فروتنی، عقل انسانی را آزاد ساخته و او را به رهایی از پابندی به خودخواهی‌های درونی فرامی‌خواند.

۲. تعصب و لجاجت

گاه بر اثر عشق و علاقه به چیزی، انسان به مرتبه تعصب و تصلب می‌رسد؛ یعنی آنچنان که تعصب ذهن و هوش او را پر کرده که با وجود او عجین می‌شود که حتی پس از فهمیدن واقعیت‌ها حاضر به پذیرفتن آن نمی‌گردد. تعصب، همچون پرده‌ای ضخیم، دیدگاه انسان را مسحور ساخته و به وی اجازه نمی‌دهد تا واقعیت‌ها را آنچنان که هست ببیند و یا پذیرای انتقاد و یا گفتاری برخلاف آن باشد. اندیشه او فقط آنچه را که با روان او درهم آمیخته است دیده و نقطه‌های معارض را تاریک نشان می‌دهد. نتیجه آن، پدید آمدن روحیه مجادله و اسکات خصم برای به زانو درآوردن او می‌باشد. قرآن کریم درباره کفار می‌فرماید: «وَإِنْ يَرَوْا كَلَّآءَ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ» (انعام: ۲۵)؛ هر نشانه‌ای را که ببینند باور نکرده و در وقت روبه‌رو شدن به جدال برخیزند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «مجادله و لجاج، اندیشه و نظر را تباه می‌سازد.» (۳۶) البته اصرار و پافشاری بر حقیقت بعد از دریافت آن و تعصب بر حمایت و نصرت از آن، امری است ممدوح. آنچه که سد راه اندیشه دینی و سبب انحراف آن می‌باشد، تعصب‌های کور و پافشاری و مجادله بر امر باطل است که صاحبان خود را همیشه در انحراف نگه داشته و آنان را از حقیقت دور می‌گرداند.

۳. پیروی از هوا و هوس

وقتی فرد از هواهای نفسانی پیروی کند، فرصت تفکر صحیح از وی گرفته خواهد شد. انسانی که بخواهد در اندیشه مستقیم بوده و راه انحراف را نپوید و در نتیجه، از نیروی تعقل خود هدایت پذیرد، باید خود را از همه عبودیت‌های نفسانی برهاند. حکومت هوس، گاه آنچنان پی می‌رود که بر نیروی اندیشه انسان غلبه کرده و او را بی‌اختیار از مسیر صحیح خود منحرف می‌سازد، تا جایی که دیده‌اش را بر واقعیت‌ها بسته و او را برده‌وار در مسیر شهوات و خواسته‌های درونی گسیل می‌دارد. تاریخ نشان داده است که چه بسیار قدرت‌خواهی‌ها و مقام‌طلبی‌ها و مال‌اندوزی‌ها، مردان بزرگی را به زبونی کشانده تا جایی که دیدگان خود را بر حق فرو بسته و در برابر آن ایستاده‌اند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «دنیا را به دور افکن، که دوستی آن آدمی را کور و کر و گنگ کرده و انسان را ذلیل و خوار می‌کند.» (۳۷)
آن حضرت همچنین می‌فرمایند: «آفت عقل پیروی از هوای نفس است.» (۳۸)

۴. بی‌توجهی

بی‌توجهی به نیروی تفکر و استفاده نکردن از آن، به تضعیف قوه تفکر در انسان می‌انجامد. کسانی که این قوه را تعطیل گذاشته و یا خود را مستغنی پنداشته و نیازی را برای تفکر احساس نمی‌کنند و در نتیجه، به دنبال برطرف کردن مشکلات و نیازهایشان حرکت نمی‌کنند، شکی نیست که از حیث قوه تفکر ضعیف‌اند. بعکس، به کارگیری و استفاده از فکر بر توانمندی آن افزوده و آن را رشد می‌دهد؛ بنابراین،

احساس بی‌نیازی در به کارگیری نیروی فکر و تعطیل گذاشتن آن، موجب سستی و ضعف این قوه است. استعمارگران، در کشورهای تحت سلطه با اشباع کاذب و دور کردن آنان از برنامه‌های فرهنگی، به کارگیری اندیشه و قوه تعقل و ابتکار را از آنان سلب می‌کنند. این کار را با مهارت و با استفاده از تبلیغات هماهنگ و به رخ کشیدن برتری خود در زمینه‌های مختلف دنبال می‌کنند، تا جایی که احساس حقارت در مغزهای انسان‌های تحت سلطه سایه افکننده و این خودکم‌بینی آنان را از استفاده درست از افکار و برطرف کردن نیازهای خود بازمی‌دارد.

۵. خستگی

گرفتاری‌ها و اشتغالات فکر، از دیگر موانعی است که انسان را از تفکر باز می‌دارد؛ از جمله: تحمل کارهای سخت و طاقت‌فرسا، مشکلات خانوادگی و پراکندگی در کارها. آن‌گاه که فکر انسان در اشغال کارهای مختلفی قرار دارد که فرصت رسیدگی به همه آنها را ندارد، علاوه بر پایین آمدن کیفیت عمل، اندیشه‌اش را نیز به تحلیل می‌برد.

۶. فقر و ناداری

از علل و موانع دیگری که آرامش فکر و اندیشه را به هم زده و سبب پراکندگی فکر و حواس می‌شود، فقر و ناداری است. حضرت علی علیه السلام فقر را سبب نقصان در دین معرفی کرده است: «ان الفقر منقصه للدین و مدهشه للعقل.» (۳۹)

کسی که از حداقل معاش زندگی برخوردار نیست و از نداشتن لوازم اولیه زندگی همچون نان، مسکن، لباس و... در رنج است، چطور می‌تواند تفکر کرده و

۸. زیستن رؤیاگونه

در مکتب اسلام، آرزو، به تنهایی مورد نکوهش نیست، بلکه بی‌آرزو معنا و مفهومی ندارد. آنچه در روایات مورد نکوهش قرار گرفته و از اسباب سستی فکر و اندیشه و مانع به کارگیری آن شمرده شده است، آرزوهای بی‌پایان و دور و دراز و امیدهای واهی است. بی‌توجهی به واقعیات موجود و بررسی و حل مشکلات و دل‌بستن به آرزوهای دور، اندیشه‌ها را به تعطیلی می‌کشاند و از رشد آن می‌کاهد. این نوع آرزوها عقل را اندک‌اندک از کار باز داشته و انسان را در تارهای غفلت گرفتار می‌سازد. اوهام و خیالات به جای تفکر و بازاندیشی نشسته و معادن فکری را اشغال می‌کند و در نتیجه، او را از رشد باز داشته و به تعطیل و رخوت دچار می‌سازد و سبب کور شدن چشم بصیرت و فعالیت درباره‌ی وظایف و مسئولیت‌هایی است که بر عهده فرد است.

۹. همنشینی با نادانان

از دیگر عواملی که به تضعیف قوه‌ی تفکر می‌انجامد، معاشرت با نادانان و سفیهان است. همان‌گونه که معاشرت و مشورت با صاحبان عقل و اندیشه بر فکر انسان می‌افزاید، معاشرت با نادانان و کسانی که غرق در دنیا هستند و مردگان روحی به شمار می‌روند، از رشد فکری و عقلانی انسان می‌کاهد. «معاشرت و همنشینی با نادانان از عقل می‌کاهد.» (۴۳)

۱۰. جهالت و نادانی

جهل و نادانی یکی از موانع تفکر صحیح است. شخصی که نسبت به امری علم ندارد، نمی‌تواند در رابطه با آن بیندیشد و یا اگر اندیشه کند، نمی‌تواند

بیندیشد و تحقیق کند؟ انسانی که در تأمین معاش خود گرفتار است و فکر آن او را به خود مشغول کرده است، بیش از آنکه متأثر از اندیشه و تفکر باشد به سوی وعده‌هایی که بتواند او را سیر کند شتاب می‌کند و جز به نیاز آنی خود فکر نمی‌کند؛ چرا که: «صاحب الحاجة اعمی لایری الا حاجته»؛ (۴۰) انسان نیازمند ناپیوسته؛ جز نیاز خود به چیز دیگری نمی‌اندیشد. بر این اساس است که افراد، به ویژه محققان و معلمان و مربیان جامعه، باید از محیطی دارای آرامش و حداقل از داشتن لوازمی که آرامش آنان را بتواند برقرار سازد برخوردار باشند. برای مثال، استادی که در موضوعی در حال تحقیق و یا به تعلیم و تعلم مشغول است، اگر در زندگی شخصی در تلاطم باشد، چگونه می‌تواند به همه جوانب مطلب رسیدگی کند؟

۷. شکم‌بارگی

افراط در خوردن و در لذت‌ها غرق شدن نیز، سبب بلاهت و کودنی در ذهن می‌گردد. فیض کاشانی، درباره‌ی جوع می‌گوید: «سیری زیاد سبب بلاهت و کودنی ذهن و سبب کوری قلب می‌گردد؛ چون پرخوری، سبب جمع شدن بخار در مغز می‌گردد و همانند مستی، این بخار اندک اندک معادن فکر او را اشغال کرده و به سنگینی و قساوت قلب می‌انجامد.» (۴۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «گرسنه نگه داشتن شکم سبب رشد فکری و زیرکی قلب است.» (۴۲) و لقمان نیز، این توصیه را به فرزندش دارد: «آن‌گاه که معده پر شد، فکر می‌خوابد.»

کرد. قرآن اساس استدلال‌ها و ریشه انحراف کفار را پیروی از ظن و گمان مطرح کرده است: ﴿وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ (انعام: ۱۱۶) یعنی: اگر از اکثریت مردم روی زمین پیروی کنی تو را گمراه می‌کنند؛ زیرا آنان پیروی از گمان کرده و براساس حدس و تخمین نظر می‌دهند. ابن‌سینا در نمط نهم اشارات می‌گوید: «هر کس چیزی را بدون دلیل بگوید و یا بپذیرد، از جرگه و گروه انسان‌ها خارج شده است.» انسان وقتی نمود پیدا می‌کند و در جرگه انسان‌ها قرار می‌گیرد و از بهائم تمییز داده می‌شود که منش او براساس علم و برهین باشد.

۱۲. شتاب‌زدگی در داوری

اظهار اندیشه درست و داوری صحیح، توجه و مدارک و مستندات را باید، که بدون آن، قضاوت نادرست است. شتاب‌زدگی، اندیشه و تفکر را از مسیر فطری و طبیعی خودش دور می‌کند و موجب گمراهی و ضلالت فرد می‌گردد. قرآن، شتاب‌زدگی در اندیشه و قضاوت را یکی از علل انحطاط و بی‌ایمانی کفار می‌داند: ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾ (اسراء: ۱۱) یعنی: انسان به واسطه شتاب‌زدگی سراغ بدی‌ها می‌رود، آن‌گونه که سراغ خوبی‌ها می‌رود. شتاب‌زدگی، درک صحیح و قدرت تشخیص حق از باطل و خیر از شر را از انسان می‌گیرد، که این می‌تواند بزرگ‌ترین عامل انحطاط فکر و انحراف از مسیر صحیح اندیشیدن باشد.

علامه طباطبائی در ذیل آیه مذکور می‌فرماید: مراد از عجل بودن انسان این است که «هرگاه چیزی را می‌طلبد با آرامش خاطر سراغ آن نمی‌رود و

صحیح اندیشه کند. در میان بدترین جهالت‌ها از «جهل مرکب» می‌توان یاد کرد. جاهل مرکب اندیشه خود را حق و صواب تصور کرده و حاضر به تحقیق و تفکر در پیرامون آن نیست. با عقاید و اندیشه‌های دیگر به مخالفت برخاسته، تا جایی که در دامن باطل فرو می‌غلتد. روشن است فردی که تمام جوانب را ادراک نکرده و یا اطلاع ناقص دارد، نمی‌تواند با تفکر و اندیشه، راه صواب را بیپیماید و درست داوری کند. بدین‌روی، اسلام در راه مبارزه با جهالت، از پیروانش تفقه، سیر و مطالعه در آفاق، انفس، تاریخ و جهان را طلب می‌کند. با ارشاد و اندرز، انسان را از اندیشه و قضاوت درباره آنچه که آگاهی بدان ندارد، منع می‌کند: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء: ۳۶)؛ یعنی: به آنچه علم نداری دل میند که انسان در مقابل دیدنی و شنیدنی و آنچه در دل دارد مسئول است. پس بهتر آنکه انسان در برابر آنچه نمی‌داند به صراحت بگوید؛ نمی‌دانم؛ که این، فرد و جامعه را از آفات و خطرات مصون می‌دارد. به گفته حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام): «لوسکت من لا یعلم سقط الاختلاف»؛ (۴۴) اگر کسی که نمی‌داند سکوت کند، اختلاف از میان می‌رود.

۱۱. گمان و پندار

ظن و گمان، گرچه درجه‌ای بالاتر از جهالت است، ولی حق‌نما نیست؛ از این‌رو، برای یک متفکر، تکیه‌گاه درست نیست. تأکید اسلام بر پیروی از علم و یقین و به دور ماندن از گمان بر همین پایه است. اگر متفکران، بر یقین پویند و مشی آنان براساس علم و یقین باشد، درصد خطا به شدت کاهش پیدا خواهد

معیار صحیح پیروی از صاحبان دانش و فن نباشد و مقلد، خود و اندیشه خود را در شعاع دانش مقلد هیچ بینگارد. قرآن از زبان مردمانی که بدین علت گمراه می‌شوند، می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾ (احزاب: ۶۸)

۱۵. یک‌سونگری

از بزرگ‌ترین عوامل انحراف تفکر صحیح و سیر اندیشه در مسائل حیاتی انسان، کانالیزه شدن فکر و اندیشه در موضوع و جهت خاص و غفلت از سایر موضوعات است. از آن‌رو که مسائل حیاتی انسان به طور کل از ارتباط و وابستگی ویژه‌ای برخوردارند، طبعاً اندیشیدن در موضوعی و غفلت از سایر موضوعات دیگر موجب نقصان اندیشه و انحراف در آن خواهد بود، گرچه آن موضوع خاص به خودی خود از اهمیت والایی برخوردار باشد. با این توجه، اندیشیدن در هریک از مسائل حیاتی انسان که غفلت و بی‌توجهی از سایر مسائل را به دنبال داشته باشد، آفتی است برای اندیشه انسان.

نمونه بارز این جریان‌ها در عصر تفکر ماشینی است که به صورت یک آفت عمومی، اندیشه انسان‌ها را تهدید می‌کند. در نظام‌های مسلط بر جهان، فرهنگ و اندیشه مردمان، به یک سو گرایش پیدا کرده و در پیچ و خم‌های ماشین و تکنیک هضم شده است. این فرهنگ حاکم، آنان را از تفکر در آنچه پیرامون آنان می‌گذرد، از بردگی مستقیم و غیرمستقیمی که بدان دچارند، غافل کرده است. امروز، بسیاری از اندیشه‌ها همچون کالایی به فروش می‌رسد و حاصل این تلاش‌ها به جای راه‌یابی و به وجود آوردن فرهنگ سالم که به رشد عقلایی جامعه

پیرامون صلاح و فساد آن تفکر نمی‌کند، تا پس از آشکار شدن جهات خیر، آن را طلب کند، بلکه به محض اینکه چیزی توجه او را جلب کرد، بدون دقت و بررسی سراغ آن می‌رود. انسان عجول نمی‌تواند فرق بین خیر و شر بگذارد. چنان به سوی باطل حرکت می‌کند، گویی به سوی حق می‌رود. (۴۵)

۱۳. تقلید کورکورانه

بسیاری از مردم، راه و رسمی را که در میان نیاکان خود مرسوم بوده است، بدون تأمل و اندیشه پذیرفته‌اند. شواهد بسیاری در دست است که یکی از عوامل عقب‌ماندگی فکری مردمان و مانع درست اندیشیدن آنان، اتکا به آداب و سنن غلط نیاکانشان بوده است. از جمله، قرآن کریم در رابطه با این گروه می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾ (مائده: ۱۰۴)؛ هنگامی که به آنان گفته می‌شود آنچه را خداوند فرستاده است پیروی کنید، می‌گویند: ما همان راهی که پدرانمان بر آن بودند پیروی می‌کنیم. قرآن، راه مبارزه با آن را تعقل و اندیشه صحیح و رها شدن و به دور ماندن از سیطره تقدس آباء و گذشتگان دانسته و تفکر در آفاق و انفس و سیر در زمین، برای آشنایی با افکار ملت‌ها و علوم، در شکستن دیواره وحشت ناشی از این تقدس، مؤثر می‌داند.

۱۴. شخصیت‌زدگی

مقصود از شخصیت‌زدگی نه به دور ماندن از تجربیات و پیروی از بزرگان دانش است، که خود از اسباب راه‌یابی و مقدمه تفکر صحیح است، بلکه پیروی، مانع اندیشه صحیح می‌شود، اگر براساس

- به هر سؤالی به راحتی پاسخ نگوئیم، بلکه با سؤال کردن مناسب، مخاطب را در رسیدن به پاسخ کمک نماییم.

- در جلسات بحث و تبادل افکار از برجسته زدن، دستور دادن، سرزنش، نصیحت، قضاوت و مسخره کردن فکر دیگران اکیداً پرهیز نماییم و با طرح سؤالات مناسب درباره موضوعات مختلف، نظرات دیگران را جویا شده و آنها را نیز در بحث و گفت‌وگو شرکت دهیم.

- با دقت و حوصله به نظرات دیگران در خانه و مدرسه گوش کنیم تا بتوانیم با سؤالات مناسب آنها را برای نتیجه‌گیری صحیح‌تر راهنمایی کنیم.

۲. در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از خانواده:

- جلسات گفت‌وگو درباره مسائل اجتماعی و یا روزمره در خانواده ترتیب داده و همه را به شرکت فعالانه در این جلسات تشویق کنیم.

- برای رشد تفکر نقادانه در کودکان و نوجوانان، مطالعه زندگی‌نامه افراد نقاد مفید و مؤثر می‌باشد.

- با برقراری امنیت و آرامش روانی و عاطفی و احترام به عقاید و نظرات کودکان و نوجوانان، آنان را به شرکت در بحث و بیان اظهار نظر ترغیب و تشویق نماییم. در مقابل سؤالی که از ما می‌کنند، پاسخ از قبل تعیین شده‌ای نداشته باشیم، تا بهتر بتوانیم به نقد و بررسی تجزیه و تحلیل موضوع بپردازیم.

۳. در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از شیوه آموزش:

- تشویق دانش آموزان برای توضیح مطالب برای یکدیگر؛

- مطرح کردن سؤالات برانگیزاننده؛

- پرسیدن سؤالاتی برای ایجاد ابهام در تفکر دانش آموزان؛

کمک کند، به انبوه ثروت ثروتمندان و بردگی گروهی دیگر می‌انجامد. این فرهنگ مسخ شده، در نهایت به زیان اجتماع می‌انجامد و فرهنگیان را از ملت جدا کرده و به بی‌تفاوتی دچار خواهد کرد. این همان خطری است که امام امت، آن را پیش‌بینی کرده و به فرهنگیان و دانشگاهیان و دانشجویان گوشزد کردند که: در مسائل علمی غرق نگردیده و از سیاست اداره جامعه فاصله نگیرند. درباره امور سیاسی و نحوه اداره کشور اظهار نظر نمایند و یادآور شدند که یک‌سونگری مراکز صنعتی و هضم آنان در پیچ و خم صنعت، دور ماندن از میدان اجتماع و مردم را به دنبال داشته و همان خطری را برای ملت به ارمغان خواهد آورد، که امروزه مراکز فرهنگی در غرب و شرق بدان دچار هستند.

پیشنهاد‌های کاربردی

برای کاهش آسیب‌های ناشی از عوامل شش‌گانه مطرح شده، راه کارهای زیر قابل بهره‌گیری است:

۱. در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از شخصیت و فرهنگ جمعی:

- نسبت به امور و پدیده‌های اطرافمان، حساسیت و دقت بیشتری داشته باشیم.

- دیده‌ها، شنیده‌ها و مطالعه خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به سادگی آنها را نپذیریم و رد نکنیم.

- درباره هر موضوعی با سؤالات مناسب و مرتبط اطلاعات بیشتری به دست آوریم.

- فرایند تفکر کودکان و نوجوان را بررسی و ارزیابی کنیم و در صورت نیاز از راهنمایی آنان دریغ نوزیم.

تصمیم‌گیری و عمل نماییم.
- مشوق خوبی برای مسئولانه فکر کردن خود و دیگران، باشیم.
- از عقاید و نظرات خود دفاع معقولانه و منطقی کرده و زود تسلیم نشویم.

نتیجه‌گیری

تفکر، مفتاح ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم است و مقدمه لازمه حتمیه سلوک انسانیت است. اندیشیدن نشانه، دلیل و راهنمای خردمند و عاقل است.

تفکر، سیر و حرکت ذهن از یک مطلوب مجهول به سوی یک سلسله مقدمات معلوم و سپس حرکت از آن مقدمات معلوم به سوی آن مطلوب برای تبدیل آن به معلوم است.

اندیشه‌ورزی و تفکر، ضرورت حیات انسانی جامعه‌هاست و از طریق آن، استعداد‌های پنهان آدمی از قوه به فعل درمی‌آید و زمینه حرکت کمالی او فراهم می‌شود.

علی‌رغم برخورداری افراد از توانایی‌ها و استعداد‌های شگرف، عدم اعتماد به خود، مانع بروز قوای خلاقه آنها می‌گردد.

نیاز به دانش در تمام مراحل خلاقیت محسوس است تا فرد بتواند ورای نظریات موجود، بررسی تازه‌ای انجام دهد.

فردی که قادر به اندیشیدن به جهات مختلف مسئله نباشد، نمی‌تواند بدون توجه به منبع عقاید و افکار به تحلیل و بررسی آنها بپردازد.

ایده یا موقعیت‌های مبهم، منبع اندیشه خلاق را تشکیل می‌دهند.

- ارائه متون غنی و پربار؛
- ایجاد توانایی که فراگیران از منابع به خوبی استفاده کنند؛

- تبدیل تکالیف و سؤالات بزرگ و گسترده به اجزای کوچک و خرد؛

- ایجاد تعادل بین محتوا و فرایند تدریس: اگر تلاش معلمان در فرایند یاددهی - یادگیری تمام کردن کتاب درسی و آماده کردن شاگردان برای آزمون نهایی باشد، این روش از دیگر فعالیت‌های آموزشی از جمله پرورش تفکر، در کلاس جلوگیری می‌کند.

- ایجاد تعادل بین سخنرانی و کنش متقابل: معلم باید از طریق تشویق مباحثه و پرسش و با استفاده از دیگر روش‌های مناسب برای تبادل اندیشه در کلاس درس، بین سخنرانی خود و کنش متقابل دانش‌آموزان تعادل ایجاد کند.

- معلم نقش راهنما و تسهیل‌گر داشته و دانش‌آموزان فعال و در پی کسب اطلاعات از منابع دیگری غیر از معلم و کتاب‌های درسی هستند.

- به جای تأکید بر محتوا، تأکید بر روش باشد و حجم اطلاعات دریافتی در درجه اول قرار نداشته و لزومی به حفظ کردن مطالب درس بدون درک و فهم آن نیست.

۴. در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از سازمان و مدیریت:

- به دیگران اجازه بحث و اظهار نظر درباره موضوعات مختلف را بدهیم.

- درباره مسائل پیش آمده، فکر کنیم و دچار احساسات و هیجان‌های شدید و کاذب نشویم و از قضاوت عجولانه، تعصب و خودرأیی درباره موضوعات مورد بحث اکیداً بپرهیزیم.

- پیش از پاسخ‌گویی به مسائل، فکر کرده سپس

انگیزه تفکر خلاق در آنها می‌شود. به تمسخرگرفتن، افراد را تبدیل به انسان‌های تدافعی و وسواسی می‌کند.

مدیر یک سازمان آموزشی با حاکم کردن ترس و تهدید و سلب اجازه تفکر صحیح از افراد سازمان، مانعی اجتماعی در تفکر خلاق محسوب می‌گردد.

هیجان‌ات تبلیغاتی و تأثیرات روانی آن در سازمان‌های آموزشی، اختیار از اندیشه سلب و فرد را به این سو و آن سو می‌کشاند.

انسانی که بخواهد در اندیشه مستقیم بوده و راه انحراف را نپوید و در نتیجه، از نیروی تعقل خود هدایت پذیرد، باید خود را از همه عبودیت‌های نفسانی برهاند.

بی‌توجهی به نیروی تفکر و استفاده نکردن از آن، به تضعیف قوه تفکر در انسان می‌انجامد.

آن‌گاه که فکر انسان در اشغال کارهای مختلفی قرار دارد که فرصت رسیدگی به همه آنها را ندارد، علاوه بر پایین آمدن کیفیت عمل، اندیشه‌اش را نیز به تحلیل می‌برد.

فردی که از حداقل معاش زندگی برخوردار نیست و از نداشتن لوازم اولیه زندگی همچون نان، مسکن و لباس در رنج است، نمی‌تواند تفکر کرده، بیندیشد و تحقیق کند.

افراط در خوردن و در لذت‌ها غرق شدن، سبب کودنی در ذهن می‌گردد.

معاشرت با نادانان و کسانی که غرق در دنیا هستند، از رشد فکری و عقلانی انسان می‌کاهد.

شخصی که نسبت به امری علم ندارد، نمی‌تواند در رابطه با آن بیندیشد و یا اگر اندیشه کند، نمی‌تواند صحیح اندیشه کند.

ارزیابی مداوم رفتار کودک و انتقاد از کارهای او در خانواده، اعتماد به نفس کودک را مختل می‌سازد و ترس از اشتباه را در وی تقویت می‌کند.

با بی‌توجهی، تمسخر و بیهوده انگاشتن خلاقیت و رؤیاهای کودک، از جانب والدین، سرچشمه خلاقیت او از بین می‌رود.

رفتار دوگانه والدین با فرزندان، عدم نظارت بر روند فعالیت‌های آنان، محبت‌های بی‌حساب و رفتارهای تحقیرآمیز، سخت‌گیری‌های بی‌جا و بی‌عدالتی در رفتارها، مانع اعتماد به نفس در فرد و مانعی اساسی در ایجاد تفکر می‌گردد.

به‌کارگیری افراطی روش‌های سنتی (سخنرانی و تأکید بر معلم‌محوری)، سبب مشارکت اندک دانش‌آموزان در یادگیری و از دست دادن پویایی در تفکر می‌گردد.

مجال دادن به کودک برای ارائه اندیشه‌های خود، از مهم‌ترین اصول ایجاد تفکر آفریننده است.

کنجکاوی خمیرمایه خلاقیت، و سرکوبی آن از جانب معلم، مانعی بزرگ بر راه تفکر خلاق است.

مدیریت سنتی با دوری جستن از انتقاد و سرکوب، تحمل تغییر در جوامع را ندارند.

مبهم بودن هزینه‌ها و تبعات نوآوری و غیرقابل سنجش بودن پیامدهای حاصل از خلاقیت علت رد ایده‌های خلاقانه از سوی مدیریت است.

پیشرفت یک سازمان بستگی به تعهد در ایجاد ارتباط مناسب با محیط دارد.

عدم تمرکز ذهنی، ترس از دست دادن موقعیت شغلی و کمبود وقت، می‌تواند مانع تفکر صحیح در سازمان شود.

عدم پذیرش فرد خلاق در سازمان، باعث کاهش

- ۲۲- علی‌اکبر سیف، همان، ص ۳۲-۵۴.
- ۲۳- افضل‌السادات حسینی، «عوامل و موانع خلاقیت»، *دانشمند*، ش ۳۳، ص ۱۲-۱۴.
24. Milgeram.
- ۲۵- افضل‌السادات حسینی، «عوامل و موانع خلاقیت»، *دانشمند*، ش ۳۳، ص ۱۲.
- ۲۶- مهرناز شهرآرای و رضا مدنی‌پور، «سازمان خلاق و نوآور»، *دانش مدیریت*، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۳۹-۴۷.
- ۲۷- خیریه‌بیگم حائری‌زاده، *تفکر خلاق و حل خلاقانه مسئله*، ص ۳۰-۴۵.
- ۲۸- فاطمه احراری و فرزانه نیک‌نژاد، «بررسی ارتباط بین جو عاطفی خانواده و میزان خلاقیت دختران و پسران»، *تربیت*، ش ۱۷، ص ۵۹.
- ۲۹- عباس غلامپور، «خلاقیت و نوآوری در سازمان‌های آموزشی»، *مدیریت در آموزش و پرورش*، ش ۷، ص ۲-۱۵.
- ۳۰- افشین سلیمانی، «موانع خلاقیت در محیط خانواده و مدرسه»، *پیوند*، ش ۴، ص ۳-۲۷.
- ۳۱- همان.
- ۳۲- عباس غلامپور، همان، ص ۲-۱۵.
- ۳۳- مهرناز شهرآرای و رضا مدنی‌پور، همان، ص ۳.
- ۳۴- همان، ص ۶-۱۴.
- ۳۵- ر.ک: عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، ص ۱۱۵.
- ۳۶- ر.ک: همان.
- ۳۷- محمدباقر مجلسی، همان، ص ۳۷، ص ۱۱۵.
- ۳۸- ر.ک: عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، همان.
- ۳۹- *نهج‌البلاغه*، ترجمه علی شبروانی، حکمت ۳۱۹.
- ۴۰- همان، خ ۱۰۹.
- ۴۱- ملّا محسن فیض کاشانی، *محجة البیضاء*، ص ۱۵۴.
- ۴۲- همان.
- ۴۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۱۶۰.
- ۴۴- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۱۲۲.
- ۴۵- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲، ص ۵۱.

شتاب‌زدگی، اندیشه و تفکر را از مسیر فطری و طبیعی خودش دور می‌کند و موجب گمراهی و ضلالت فرد می‌گردد.

از بزرگ‌ترین عوامل انحراف تفکر صحیح و سیر اندیشه در مسائل حیاتی انسان، کانالیزه شدن فکر و اندیشه در موضوع و جهت خاص و غفلت از سایر موضوعات است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- امیر کرمی و سیدرضا سیدجوادی، «موانع ذهنی تفکر خلاق»، *تدبیر*، ش ۱۹۰، اسفند ۱۳۸۶، ص ۵۵-۵۹؛ ابراهیم کلانتری، «موانع تفکر صحیح از دیدگاه قرآن کریم»، *معرفت*، ش ۱۶۴، مرداد ۱۳۹۰، ص ۳۱-۴۳؛ احمد ابراهیم‌زاده، «موانع و راه‌کارهای گسترش تفکر و بینش علمی در دانش‌آموزان»، *پیوند*، ش ۲۹۳، اسفند ۱۳۸۲، ص ۳۶-۴۵.
- ۲- حسن شعبانی، *روش تدریس پیشرفته*، ص ۱۲.
- ۳- علی‌اکبر سیف، *روان‌شناسی پرورشی*، ص ۲۲۸.
4. Vinack.
5. Iyson.
- ۶- افضل‌السادات حسینی، «ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن»، *رشد معلم*، ش ۸۰، ص ۲۶.
7. Sulsu.
- ۸- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۲.
- ۹- فضل‌بن حسن طبرسی، *مجمع‌البیان*، ترجمه احمد بهشتی، ج ۵، ص ۲۳۶.
- ۱۰- حسن شعبانی، همان، ص ۴۴.
- ۱۱- محمدحسن آموزگار، *اسلام و تربیت عقلانی و اجتماعی*، ص ۱۵-۳۵.
- ۱۲- محمدبن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۱۶.
- ۱۳- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۵، ص ۳۲۵.
- ۱۴- *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۸، ص ۴۵۱.
- ۱۵- همان، حکمت ۱۱۳، ص ۴۶۳.
- ۱۶- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۲۳.
- ۱۷- *نهج‌الفصاحه*، ترجمه عبدالرسول پیمانی و محمدحسین شریعتی، ص ۱۴۷، ش ۹۶۸.
- ۱۸- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۲۵.
- ۱۹- همان، ص ۳۲۴.
- ۲۰- فضل‌بن حسن طبرسی، همان، ج ۵، ص ۳۲۶.
- ۲۱- حسن عمید، *فرهنگ فارسی عمید*، ص ۳۵.

- مدیریت در آموزش و پرورش**، ش ۷، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۵۰۲.
- فیض کاشانی، ملّامحسن، **محجة البیضاء**، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه سیدمهدی آیت‌اللهی، تهران، جهان‌آرا، ۱۳۸۷.
- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- منابع**
- **نهج الفصاحه**، ترجمه عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی، اصفهان، خاتم‌الانبیاء، ۱۳۸۵.
- **نهج البلاغه**، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالعلم، ۱۳۸۵.
- **نهج البلاغه**، ترجمه علی دشتی، تهران، آدینه، ۱۳۸۸.
- آموزگار، محمدحسن، **اسلام و تربیت عقلانی و اجتماعی**، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۶.
- احراری، فاطمه و فرزانه نیک‌نژاد، «بررسی ارتباط بین جو عاطفی خانواده و میزان خلاقیت دختران و پسران»، **تربیت**، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۰، ص ۵۹-۶۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- حائری‌زاده، خیریه بیگم و محمدحسین لیلی، **تفکر خلاق و حل خلاقانه مسئله**، تهران، نی، ۱۳۸۲.
- حسینی، افضل‌السادات، «عوامل و موانع خلاقیت»، **دانشمند**، ش ۳۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۲-۱۴.
- حسینی، افضل‌السادات، «ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن»، **رشد معلم**، ش ۸۰، تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۶-۲۹.
- سلیمانی، افشین، «موانع خلاقیت در محیط خانواده و مدرسه»، **پیوند**، ش ۴، بهار ۱۳۸۲، ص ۳-۲۷.
- سیف، علی‌اکبر، **روان‌شناسی پرورشی**، تهران، آگاه، ۱۳۷۹.
- شعبانی، حسن، **روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر)**، تهران، سمت، ۱۳۸۲.
- شهرآرای، مهرناز و رضا مدنی‌پور، «سازمان خلاق و نوآور»، **دانش مدیریت**، ش ۳۳ و ۳۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۳۳-۴۷.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، **مجمع‌البیان**، ترجمه احمد بهشتی، قم، فراهانی، ۱۳۵۴.
- عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- غلامپور، عباس، «خلاقیت و نوآوری در سازمان‌های آموزشی»،